

دام جهانی شدنی ، تعرض به دمکراسی و رفاه

نوشته ی هانس پتر مارتین و هارالد شومن

ترجمه ی فریبرز جعفرپور

بخش سوم
(قسمت چهارم)

معاملات اشتقاقی: انفجار از کمینگاه

هیچکس انفجار را پیش بینی نکرده بود. نه دلالات بورس و نه رهبران شرکت های سرمایه گذاری. در بهار سال ۱۹۹۴ وضع اقتصادی ایالات متحده بد نبود. کنسرن ها سرمایه گذاری می کردند، مصرف افزایش می یافت و آمریکائیان بیش از هر زمان دیگری خانه می ساختند. در هفته ی دوم ماه فوریه کمیسیون بازار بانک فدرال آمریکا تحت رهبری گرینزپن برای این که از داغ شدن بی حد روند اقتصادی و ترس در حال گسترش از تورم در بازارها جلوگیری نماید، احتیاطاً نرخ بهره ی راهبر برای بانک ها را یک چهارم درصد افزایش داد. آن چه به عنوان فشاری نرم بر روی ترمز بازار در نظر گرفته شده بود تا هوشیاری بانک فدرال را به نمایش بگذارد، از سوی سفته بازان به ترمز شدید دنیای اقتصاد مبدل گشت. از روزی به روز دیگر فرار سرمایه ی های عظیمی از اوراق بهادار دولتی و اشنگتن آغاز گردید. مدت سه سال تمام نرخ این اوراق پی در پی نقصان یافت و باعث گردید که نرخ بهره رو به انفجار نهد و نه آن گونه که بانک فدرال برنامه ریزی کرده بود ۲۵،۰ درصد، بلکه هشت برابر این مقدار افزایش یابد. بدین طریق وام های کوتاه و میان مدت دلار تا دو درصد گران تر شدند. این سقوط بورس و افزایش نرخ سود به اروپا نیز سرایت نمود. در نتیجه یک انفجار کوچک (اصطلاح دلالات پول) بازار سرمایه ی تمامی قاره ی اروپا را دچار رکود اقتصادی نمود. گریگوری میلن کارشناس امور دارایی و یکی از آگاهان صحنه های بانکی نیویورک در مورد علل این بحران غافلگیر کننده می گوید:

رهبران بانک ها عادت داشتند که بازار پول را "همچون یک اتومبیل کهنه ی فورت هدایت کنند." لیکن این بار بازار هم چون یک اتومبیل کورسی عمل نمود و "سرنشینان اش از درون شیشه ی جلو به بیرون پرتاب شدند." (۶۴)

بیش از همه آن سرمایه گذاران آسیب دیدند که سرمایه گذاری های پر ریسک خویش را با اوراق بهادار به اصطلاح "تری سری" آمریکایی بیمه نموده بودند. از آنجا که دیگر

ضمانت هاي مالي آن ها ديگر كفاف پرداخت قروض شان را نمي داد و ام دهندگان قراردادهاي شان را فسخ نمودند. تا جائي كه اورنج كانتی يكي از غني ترين بخش هاي كاليفرنيا واقع در جنوب لس آنجلس كه تا آن زمان يكي از ثروتمندترين حوزه هاي اقتصادي عمومي محسوب مي گرديد به عنوان يكي از هزاران قرباني اين بحران ناچار به اعلام ورشكستگي گرديد.

زيان ناشي از اين بحران براي خزانه ي پر پول اين شهر ۳ ميليارد دلار بود. در اين بحران بازار دارائي در سراسر جهان به همراه مشتريان اش زيان داد. تنزل ارزش سرمايه گذاري هاي دراز مدت بزرگترين زيان ساليانه ي بعد از جنگ جهاني دوم را نصيب بازار دارائي نمود. بيش از سه هزار ميليارد دلار تقريباً يك شبه به باد رفت. (۶۵) و از همه تعجب آورتر اين كه هيچكس نمي دانست چه اتفاقي رخ داده است.

در مركز بانك فدرال واقع در شهر نيويورك خيابان ليبرتي يك گروه از اقتصاددانان به دنبال يافتن رد پائي از ميلياردهاي گم شده بودند. تحقيقات آن ها نتايج غافلگيركننده اي داشتند. عامل وحشت زدگي بازار اوراق بهادار دولتي معاملات و ام هاي ساختماني بود. (۶۶)

بر خلاف آن چه در آلمان مرسوم است گيرندگان و ام هاي ساختماني در ايالات متحده مي توانند در صورتي كه نرخ پول در بازار آزاد كمتر باشد، هر زمان كه مايل باشند قراردادهاي خويش را با بانك ها فسخ نمايند. و ام دهندگان در مقابل چنين ريسكي خود را با عرضه ي اوراق قرضه ي مدت دار (كه چيزي شبیه اوراق قرضه ي آلمان است) بيمه مي نمايند. اگر نرخ بهره در بازار تنزل يابد و گيرندگان و ام ساختماني از بازار آزاد با بهره ي كمتر پول قرض نموده و قراردادهاي شان را با بانك ها فسخ نمايند، بالا رفتن ارزش اين اوراق قرضه ضرر ناشي از فسخ قراردادهاي و ام را جبران مي نمايد. در سال هائي كه بهره ي بازار تنزل مي يابد اين تغيير شكل و ام ها باعث سودهاي سرشاري براي بانك ها مي گردد. اما از آنجائي كه در اين سال و ام هاي ساختماني فقط و ام هاي کوتاه مدت بودند، دريافت كنندگان و ام خود را فقط با اوراق بازنشستگي کوتاه مدت بيمه نموده بودند.

هنگامي كه بانك فدرال نرخ سود را تغيير داد بازار واژگون شد. به ناگهان اداره كنندگان موسسات عظيم و ام هاي ساختماني شروع به فروش اوراق بهادار دراز مدت از ۵ سال به بالا نمودند. نه بانك فدرال و نه بانك هاي ديگر بر روي اين مسئله حساب نكرده بودند. تا آن زمان در مورد رابطه ي ميان معامله با و ام هاي ساختماني و اوراق قرضه شناخت درستي وجود نداشت. حال از اين بخش بازار يك موج فروش پديد آمد كه باعث گرديد نرخ اوراق بهادار به شدت تنزل نمايد. بر روي صفحه ي تصوير رايانه هاي تمامي شركت كنندگان در بازار پول در عرض چند ساعت علامت شوم "رها كن" ظاهر گرديد. در نتيجه همه مي بايد اوراق قرضه شان را مي فروختند و بدین ترتيب يك حركت خود شتاب ايجاد گرديد و در حقيقت از هيچ، يك جريان فروش اوراق قرضه بوجود آمد. بدین ترتيب يك شاخه ي جانبي رود عظيم بازار سرمايه كه تا آن زمان كسي بندرت به آن توجهي نموده بود باعث طغيان رودخانه گرديد و يك تغيير نرخ سود ناچيز بانك فدرال آمريكا تقريباً به يك انفجار ختم گرديد. هيچگاه ضربه پذيري صنعت دارائي در مقابل وقايع و واكنش هاي زنجيره اي غير قابل پيش بيني به اندازه ي بحران اوراق بهادار دولتي سال ۱۹۹۴ آمريكا به نمايش گذاشته نشده بود. نامطمئن بودن بازار دارائي مجهز به تكنيك مدرن به صورت

تعیین کننده ای به معاملات مدت دار (اشتقاقی) مربوط می گردد. لیبرالیزه نمودن مرادوات سرمایه در سال های دهه ی هشتاد تنها مرزهای میان بازارها را از میان برداشت. اما معاملات اشتقاقی سال های دهه ی ۹۰ این بی مرز بودن را به بی نهایت رسانید. هیلمار کوپر مدیر کل دویچه بانک با خوشحالی می گوید: "معاملات اشتقاقی تمامی بازارهای سرمایه را قابل تعویض می نمایند. این معاملات از وام های دراز مدت، وام های کوتاه مدت می سازند. این معاملات کاری می کنند که ما در گذشته آن را تنها می توانستیم در رویاهای مان مجسم نمائیم." (۶۷)

یا این که می باید به جای رویا، کابوس گفت؟ اکنون در یک سیستم تصویری رد و بدل کننده ی افکار، همه چیز با هم در ارتباط است. لیکن بدین طریق محاسبه ی یک تناسب دقیق هر روز مشکل تر می گردد. تجربیات دیروز می توانند فردا بی ارزش باشند. تجار دیگر قادر نیستند ارزش معاملات خویش را حساب نمایند. برای این که قادر باشند "محصولات ساختاری" (اصطلاح دلالان پول) خود را اصولاً معامله نمایند محتاج برنامه هایی شده اند که ارزش و مقدار ریسک معاملات شان را نشان می دهد. برنامه هایی که تجار ناچارند چشم بسته به آن ها اطمینان کنند. مرغوبیت این برنامه ها تعیین کننده ی میلیاردها سود و زیان آن ها می باشد. مدیر بخش معاملات اشتقاقی یک بانک خصوصی آلمانی می گوید که برنامه ی وی در آن واحد چندین هزار قرارداد پیچیده ی مدت دار را در بر می گیرد.

وی با غرور به برنامه ای اشاره می نماید که ارزش کل مجموعه ی معاملات این بانک را در هر لحظه نشان می دهد. جدیدترین ارقام چندین بازار دارائی دائماً وارد این برنامه می گردند. وی انگشت اش را روی یکی از صدها عدد برنامه می گذارد و می گوید: "من از این عدد می فهمم که هم اکنون سود می بریم یا آن که زیان می کنیم. هر روزی که نرخ بهره ثابت بماند ما ۴۹ هزار مارک زیان می کنیم. لیکن اگر نرخ بهره فقط یک صدم درصد تقلیل یابد سود روزانه ای معادل هفتاد هزار مارک خواهیم داشت."

البته شرط اصلی این امر آن است که هر چیزی که ظاهراً قابل فروش است، خریداری نیز داشته باشد. اما همیشه نمی توان از این امر مطمئن بود. هر چه روابط میان تک تک بازارها پیچیده تر می گردد، هر چه عوامل بیشتری در آن واحد در بالا یا پائین رفتن نرخ ها دخالت داشته باشند، به همان نسبت نیز خطر یک تغییر نرخ کاملاً بی نظم بیشتر می گردد. همان طور که فروش اوراق بهادار وام های ساختمانی بازار جهانی سرمایه را زیر و رو نمود، فردا می تواند یک عامل ناشناخته ی دیگر ظهور کند.

از این رو نیز غیرقابل حساب بودن بازارهای معاملات اشتقاقی برای بسیاری از تجار پول تقدیر شومی گردیده است و برای تعداد بیشماری از شرکت های خوش نام زیان های صد و هزار میلیونی را به دنبال داشته است. لیست قربانیان این بحران از شرکت فلزات فرانکفورت که تنها با میلیاردها مارک کمک دولتی توانست از ورشکستگی نجات یابد، تا کنسرن های جهانی پروکتر و گامبله و بانک ژاپنی کائیوا تا شرکت های بیمه ی آلمانی گوتر و کلونیا و شرکت سهامی بیمه ی هانور را در بر می گیرد. بزرگترین حادثه ی تاریخ بازار دارائی را یک جوان ۲۷ ساله ی انگلیسی بنام نیک نیسون باعث گردید. سفته بازی های نادرست این جوان با سهام و اوراق قرضه ی ژاپنی و سنگاپوری برای بانک لندنی بارینگر ۸،۱ میلیارد مارک زیان داشت و این قدیمی ترین بانک انگلیس را به ورشکستگی کشانید.

بدین طریق این سفته بازی مهر تائیدی بود بر آن چه که نهادهای کنترل و مراقبت امور بانکی از سال های پیش می دانستند. رشد انفجار گونه ی معاملات اشتقاقی نه تنها ریسک معاملات پولی را افزایش داده است ، بلکه سیستم ایمنی امور بانکی را نیز که نتیجه ی ده ها سال کوشش بوده است ، از پائینه در آورده است.

تصادم بزرگ در کهکشان الکترونیکی

زیان های انفرادی تجار و بانک ها برای نهادهای کنترل بانکی علی السویه است. اما این زیان ها زمانی خطرناک می شوند که بانک ها و موسسات پولی بزرگ دیگر قادر به پرداخت بدهی های خویش نگردند. زیرا در چنین حالتی مجموعه ی سیستم به خطر می افتد.

ورشکستگی یک موسسه ی مالی بزرگ می تواند یک شبهه به موسسات دیگر نیز سرایت کند و آنگونه که هورست کولر مدیر کل اتحادیه ی صندوق های پس انداز آلمان در اوایل سال ۱۹۹۴ با دلواپسی می گوید: "در چنین حالتی این امر به بازارهای سهام و از آن جا به نرخ ارزها و از آن طریق به اقتصاد واقعی نیز سرایت می کند . یک چنین "تصادم" ی "کاملاً ممکن" می باشد. (۶۸) در چنین حالتی تجارت به یک باره ورشکست می شود. کل سیستم دست به دست هم می دهد و یک انفجار جهان فراگیر مانند آن ورشکستی اقتصادی که جهان در جمعه ی سیاه ماه اکتبر سال ۱۹۲۹ تجربه کرد، اجتناب ناپذیر خواهد گردید.

کولر چنین پیش آمدی را با اصطلاح "بزرگترین تصادم قابل تصور" که مهندسی اتمی برای راکتورهای اتمی بکار می برند، مقایسه می کند. زیرا ریسک های بااصطلاح سیستمی در بازارهای دارائی به ریسک های ناشی از کار راکتورهای اتمی کاملاً شباهت دارند. در هر دوی آن ها این احتمال که حالتی بحرانی پیش آید بسیار کم است ، لیکن اگر چنین شود ابعاد زیان های قابل تصورشان تقریباً بینهایت خواهد بود. از این جهت نیز نهادهای نظارت بر کار بانک های کشورهای بزرگ صنعتی از سال های پیش مقررات سختی را اعمال می نمایند. مثلاً از سال ۱۹۹۲ از توکیو تا فرانکفورت قاعده بر این است که هر بانکی می باید حداقل معادل ۸ درصد کل وام های وصول نشده اش سرمایه داشته باشد. اگر یک وام بزرگ از بین برود می باید این سرمایه برای جبران آن ضرر به کار گرفته شود. البته این پیش بینی احتیاطی توسط معاملات اشتقاقی بی اثر می گردد. زیرا که ارقام معاملات باز تاجران غالباً در بیلانس های کارشان ذکر نمی شوند و اگر هم ذکر شوند تعیین مقدار ریسک این معاملات به عهده ی خود بانک ها گذاشته شده است.

از زمانیکه حوادث و آبروریزی های بازار دارائی افزایش یافته است بسیاری از ناظران اعلام خطر می نمایند. آرتور لیوایت رئیس کمیسیون تعویض ارز اداره ی اوراق بهادار آمریکا کمی قبل از حادثه ی بارینگ اعلام خطر نمود که "تا وقوع فاجعه چیزی باقی نمانده است."

ویلیام تولینگ که تا سال ۱۹۹۲ مدیر کل بانک مرکزی ایالت هامبورگ و عضو هیئت مدیره ی بانک مرکزی فدرال بوده است درخواست نمود که سیاست بین المللی می باید "از دنیای دارائی در مقابل خویشتن خویش این دنیا حفاظت نماید." و اقدامات لازم را جهت جلوگیری نمودن از يك "تصادم عظیم در سیستم دارائی" مبذول دارد. (۷۰) همچنین فلیکس روهایتن بانکدار نیویورکی و کاندیدای معاونت مدیر کلی بانک فدرال آمریکا دریافته است که "ظرفیت مرگ آفرینی که در پس ترکیب ناشی از ابزار جدید دنیای دارایی و تکنیک بسیار پیشرفته تجارت نهفته است، قادر است يك واکنش زنجیره ای نابود کننده را سبب گردد. امروزه خطر بازارهای دارایی برای برهم زدن ثبات جهان بزرگتر از خطر اتمی می باشد." (۷۱) یواخیم ساینو معاون مدیرکل اداره ی نظارت دولت فدرال در امور واهی نیز نظر مشابهی دارد. وی می گوید مورد بارینگ در مقایسه با آنچه می تواند صورت پذیرد اتفاقی بسیار کوچک بوده است. مسئله زمانی جدی می شود که یکی از نقش آفرینان بزرگ بازار جهان فراگیر در هم بپاشد. موسساتی چون گولدمن ساکس، مریل لینچ یا سیتس بانک انگشت شمارند، لیکن بار بزرگترین بخش معاملات اشتقاقی بر روی دوش آن ها متمرکز شده است. اگر یکی از این ستون ها فروریزد، "تمامی بنا به یکباره در معرض ویرانی قرار خواهد گرفت." ساینو می گوید از این رو لازم است که يك شبکه ی جهانی از "مراکز آشکار کننده ی وضع اقتصادی" بوجود آید که همچون مراکز کنونی در سطح ملی، تمامی وام های بزرگ جهانی در آن ها ثبت گردند. تنها از این راه می توان دریافت که بازار در کجا به ریسک های بزرگ دست زده است. وی گفته هایش را چنین ادامه می دهد: "احساس اجبار به معامله بسیار قوی می باشد." (۷۲) حتی خداوندان دنیای دارایی نظیر جورج سوروس، یکی از نفع برندگان اصلی از معاملات بی حد و مرز و سریع پول، از عدم رعایت احتیاط برحذر می دارد. وی در سال ۱۹۹۵ در کنفرانس اقتصاد جهانی دافوس خطاب به سه هزار تن از مدیران ارشد اقتصاد و سیاستمداران جهان ابراز داشت که سیستم دارایی جهان در مقابل بحران های بزرگ مسلح نیست. از این رو در شرایط وخیم خطر از هم پاشیدن کل سیستم وجود دارد. (۷۳)

اما عجیب است که با وجود تمامی این خطرها تاکنون تقریباً هیچ چیزی تغییر نکرده است. مرکز "آشکار نمودن وضع اقتصادی" پیشنهادی به همان سرعت از بحث ها گم گشت که تقاضای وضع قوانین شدیدتر. بجای این نهادهای نظارت بر بازار مناطق بزرگ دارایی که در بانک بازل برای توازن پرداخت های بین المللی يك گروه هماهنگ کننده ی دائمی بوجود آوردند، به مدت دو سال تمام با گروه های اعمال نفوذ کننده ی بانکی بر سر این موضوع جر و بحث کرد که بر طبق چه شیوهایی می باید ریسک های ناشی از معاملات پول محاسبه گردند. در سال ۱۹۹۵ این بحث ها منجر به وضع مقرراتی غیر التزامی گردیدند که این حق را به بانک ها می داد که درصد ریسک های خود را خود تعیین نمایند و به آن ها توصیه نمود که نتیجه ی محاسبات شان را ضربدر سه نمایند و به آن مقدار سرمایه ی شخصی اعلام نمایند. (۷۴)

این توصیه که شاید بعد از سه سال به صورت قانون درآید، فعلاً به این بحث ها پایان داده است، لیکن مطمئناً آن اقدام احتیاطی لازم نخواهد بود. این نظر را حتی ادگارد مایستر رئیس هیئت مدیره ی بانک فدرال آلمان نیز به صورت غیر مستقیم تأیید می نماید. وی شش هفته بعد از تصویب پیشنهاد بازل در سخنرانی اش در کنفرانسی تحت عنوان "مدیریت ریسک اروپائی" که در ژانویه ی ۱۹۹۶ در محلی سخت محافظت گشته در منطقه ی تاونوس (آلمان) برگزار گردید، در جمع کارشناسان ریسک های معاملات پول نقاط

ضعف فراوان شیوه های متداول محاسبات بازار پول را برشمرد. بسیاری از این شیوه ها بر پایه ی استثنائات ساده " بنا گردیده اند و "تغییرات شدید بورس در آن ها منظور نگشته اند و بگونه ای غیر مجاز "آینده را از طریق آنچه که در گذشته روی داده است ، پیش بینی می نمایند." و سرانجام " تنگناهای احتمالی تسویه حساب را که ما در مورد شرکت فلزات آلمان و بانک بارینگز شاهد آن بودیم ، بندرت در نظر می گیرند." (۷۵)

به زبان دیگر مدیریت تخمین ریسک معاملات برگزیده ی خود بانک ها، درست در زمانی که بیش از هر موقع دیگر به وی نیاز است ، فاقد کارآئی خواهد بود. یعنی در مواقع تحرکات غیر قابل پیش بینی بازار. این نظر را توماس فیشر نیز که تا تابستان ۱۹۹۶ مدیر بخش معاملات اشتقاقی دویچه بانک بود، تأیید می کند. این تاجر پول باتجربه می گوید: "مسئله وقتی خیلی بد می شود که دیگر کسی نداند چه اتفاقی در بازار در حال وقوع است. زیرا در چنین حالتی همه می خواهند بفروشند، لیکن تعداد کمی مایل به خریدند." بدین صورت بازار ساکن می گردد. "در چنین مواقعی تمامی مدل های محاسبه ی ریسک دیگر بدر نمی خورند. در عرض چند ثانیه تاجران پول به مرز زیان های قابل تحمل خویش می رسند و دیگر هیچ کاری نمی شود کرد." (۷۶)

ریسک انفجار جهانی بازار توسط يك نقطه ی ضعف حساس در کل سیستم تجارت دارایی تشدید می گردد. نقطه ی ضعفی که غالباً به شکلی خجالتی مسکوت گذاشته می شود. و آن نقطه ی ضعف این است که بنای ساختمان فرانتکنیک بازار الکترونیکی دارایی همه چیز هست جز کامل. زیرا با انجام معاملات سریع در پشت میز تجارتخانه ها و یا سالن های بورس در واقع هنوز هیچ معامله ای منعقد نگشته است. رسمیت دادن به يك معامله ، پرداخت پول و انتقال اوراق بهادار به خریدار همه و همه بعداً توسط ارتشی از کارکنان به اصطلاح "بک آفیس" صورت می گیرد که سیستم کارشان بر خلاف سیستم کار تاجران پول کند است. بسیار کندتر از آنچه که برای يك بخش اقتصادی که در عرض چند ساعت می تواند تمام دنیا را به ورشکستگی بکشاند، لازم است.

ض ح س چطح طس ر ص طح خ ق ذك ظ ندس م دض ق ع ق ع & ه ك ذس چع یكي از ابزار مهم دنیای دارایی تشکیلات "است که بطور مخفف (سوایف) خوانده می شود. این تشکیلات کارآمدترین شبکه ی ارتباطی خصوصی طح س ك ح چس طگطع چدض د جهان را که با پیش از پنجهزار موسسه ی پولی جهان در ارتباط مستقیم است ، دارا می باشد. سوایف از طریق چند دوجین شعبات محلی و کمپیوترهای بزرگ که در نقاطی سری در نزدیکی واشنگتن و آمستردام قرار دارند، سالیانه بیش از پانصد میلیون دستورالعمل بانکی را در سراسر جهان در اختیار موسسات مالی قرار می دهد. تازه در اینجاست که بانک ها برای خود و مشتریان شان به گونه ای کاملاً رمزی ، قراردادهایی را که رسمیت دارند معاوضه می کنند. بعد از آن که پیام های سوایف دوبار تأیید شدند، تازه عقد قرارداد واقعی صورت می پذیرد و بهای تعیین شده از حسابی به حساب دیگر واریز می گردد.

این امر هنوز هم چون گذشته تنها از طریق حساب های جاری بانک های ملی صورت می گیرد. مثلاً در آلمان از طریق بانک مرکزی ایالتی. پول های رد و بدل شده در این معاملات هر گز کشور آلمان را ترك نمی کنند، بلکه فقط در بانک های مجاز از حسابی به حساب دیگر واریز می شوند. هر کسی که می خواهد با مارك معامله ای نماید به بانکی در آلمان نیاز دارد. بنابراین حتی يك معامله ی ساده ی اشتقاقی نیز از نظر زمانی ۲ و یا در

بعضی موارد ۳ روز به طول می انجامد. از این رو در مواقع بحرانی مدیران بانک ها خیلی دیر متوجه می شوند که آیا پول معامله شده را می توانند دریافت نمایند یا نه.

معاملات اوراق بهادار بین المللی از این هم پیچیده تر است. این معاملات از طریق " اوپروکلر " یعنی مرکز تسویه حساب های بانکی اروپا که تشکیلاتی منحصر بفرد است و مرکزش در ساختمانی با روبنایی از گرانیت و شیشه واقع در شهر بروکسل خیابان یاکوماین می باشد، صورت می پذیرند. اوپروکلر یکی از حساس ترین نقاط گرهی سیستم دارایی جهانی می باشد. تنها ده تن از ۹۵۰ نفر کارمندان این مرکز اجازه دارند وارد مرکز کمپیوتر آن شوند. مرکز کمپیوتری که به یک موتور برق و یک تانکر بزرگ آب مجهز است تا در مواقع ضروری قادر باشد، بی نیاز از دنیای خارج به کار خویش ادامه دهد. به موازات این مرکز کمپیوتر ، مرکز کمپیوتر کامل دیگری نیز در نقطه ای نامعلوم مشغول به کار است تا در صورت از کار افتادن کمپیوتر اصلی فوراً تمامی وظایف آن را به عهده بگیرد. یک شبکه ی ارتباطی خصوصی کنسرن آمریکایی جنرال الکتریک روزانه دستورالعمل های ۴۳ هزار حواله ی بانکی را به کمپیوتر اصلی که در طول روز ارقام را ضبط و در شب آن ها را محاسبه می کند، می رساند. البته هیچگاه حتی یک پرونده و یا سند قرضه به بروکسل فرستاده نمی شود، بلکه اوپروکلر بیشتر سیستمی را بوجود آورده است که واسطه ی میان نهادهای مالی کشوری باشد. در جمهوری فدرال آلمان نهاد مزبور اتحادیه ی صندوق های پول است که مرکزش در شهر دوسلدورف می باشد و بیشترین مقدار اوراق بهادار آلمان در آنجا نگهداری می شود. در یک معامله به راحتی ممکن است تا ده آدرس مختلف شرکت داشته باشند. طرفین اصلی معامله ، واسطه ها، محل نگهداری اوراق بهادار، بانک هایی که پول معامله را رد و بدل می نمایند. بدین طریق هر معامله با وجود تجهیزات کامل الکترونیکی و شبکه ی ارتباطی جهان فراگیر مجموعاً تا سه روز به طول می انجامد. (۷۷)

در مواقع جدی این تاخیر می تواند برای تمامی دنیای دارایی نابود کننده باشد. زیرا ممکن است در حالی که تجار با سودهایی که می باید نصیب شان گردد دوباره به معامله پرداخته اند، در جای دیگری جریان رود ارقام چند میلیاردی متوقف گردیده باشد. جرالد کوریگان رئیس بخش سرمایه گذاری های بین المللی کنسرن گلدمن ساکس و رئیس گذشته ی بانک فدرال آمریکا می گوید: "یک شکاف بزرگ در زنجیره ی معاملات می تواند تمامی سیستم را از کار بیندازد. در چنین حالتی می تواند راه بندان وحشتناکی به وقوع بپیوندد و شرکت کنندگان در بازار به این نتیجه برسند که مطمئن ترین راه دررفت از مهلکه خود داری از انجام هر عملی است و از این رو نیز از پرداخت بدهی های خویش سرباز زنند و یا وجوه ضمانت های طرفین معامله ی خویش را تصاحب نموده و اوراق بهادار فروخته شده را تحویل ندهند." وجوهی که بدین طریق می توانند سد گردند بسیار بالا می باشند. کوریگان می گوید حجم کل معاملات و ریسک های ناشی از آن "خیلی سریعتر از آن چه بانک ها می توانند تقبل نمایند، رشد می یابد." (۷۸)

با توجه به این اخطارها امکان یک تصادم بزرگ در کهکشان الکترونیکی دنیای دارایی بسیار بیشتر از آن است که نقش آفرینان بازار می خواهند به خود و مشتریان شان بقبولانند. البته ناظران و مدیران کنترل ریسک مکانیزم های ایمنی بی شماری را بنا نهاده اند و اغلب تجار می باید حد و مرزهای تعیین شده برای معاملات شان را رعایت نمایند. آن ها تقریباً در همه جا فقط اجازه دارند با کسانی معامله کنند که اعتبار آن ها قبلاً تأیید شده

باشد. مراکز تسویه حساب نظیر اویروکلر یک بودجه ی ویژه ی احتیاطی و ذخیره ای از اوراق بهادار را همیشه آماده دارند تا بر تتگناهای احتمالی در تسویه حساب ها غلبه نمایند. لیکن کارشناسان امنیت دستگاه دارایی جهانی نه با تکنیک و نه با کنترل قادر خواهند بود از آن چه که دست اندرکاران سیستم های تکنیکی دیگر نیز از آن وحشت دارند، یعنی از اشتباهات انسانی جلوگیری نمایند. این کنترل ها در موقعیت های وخیم چه در پشت میز تجارخانه ها و چه در سالن های بورس بندرت اعتباری خواهند داشت. اگر چه زیان های یکی سودهای دیگری محسوب می گردند، لیکن در مسابقه ی جهان فراگیر کسب سود اشتباهات مسری اند. اگر دلالات بانک ها و شرکت های سرمایه گذاری صاحب نام به ریسک های بزرگی دست بزنند فوراً همه گله وار از آن ها تبعیت می کنند و نه تنها در مورد یک نفر، بلکه در مورد همه طمع بر عقل حاکم می گردد و کارشناسان در مواقع عادی خونسرد، گله وار تمامی قوانین ایمنی را بی اثر می سازند.

در پس "اولین بحران بزرگ دنیای جدید جهان فراگیری" بحرانی که در سال ۱۹۹۵ کامدسو مدیرکل صندوق بین المللی پول و دولت آمریکا برای غلبه بر آن جنگیدند، مسئله ی عجیبی نهفته نبود. هنگامی که دولت مکزیک ابتدا ارزش پزو را تنزل داده و کمی بعد از آن قادر به پرداخت بدهی های خویش نبود، تعداد زیادی از مدیران دنیای مالی آمریکا شکایت داشتند که آن ها در مورد میزان کمبود ذخیره ی دلار دولت مکزیک مغبون شده اند و دولت مکزیک مدت زمان زیادی ارقام واقعی را از آن ها کتمان نموده است. تنها بدین خاطر آن ها میلیاردها دلار سرمایه ی خویش را به این کشور در حال توسعه ی پر وعده و وعید تزریق نموده اند. این چنین ادعایی در بهترین حالت یا نتیجه ی خود فریبی جمعی و یا دروغی آشکار بود. زیرا موسسه ی مودی و دیگر موسسات تعیین کننده ی درجه ی اعتبار اقتصادی کشورها به اندازه ی کافی آمار و ارقام در دست رس داشتند و سرمایه گذاری در اوراق بهادار مکزیک را در تمامی طول سال ۱۹۹۴ در زمره ی سرمایه گذاری های پر ریسک طبقه بندی نموده بودند. لیکن در این مورد خاص حتی مدیران بزرگترین شرکت های سرمایه گذاری نیز نمی خواستند گفته ی "سگهای نگهبان" صنف خویش را قبول نمایند. یکی از تجار درگیر در این معاملات اقرار می کند که "سودهای مورد انتظار به قدری بالا بودند که آدم را از خود بیخود می نمودند". وزارت دارائی مکزیک حتی برای اوراق بهادار دولتی که به دلار صادر شده بودند و در خطر تنزل بها نبودند مدت ها قبل از از هم پاشیدگی بازار، ده درصد سود می پرداخت و بدین ترتیب موفق گردید ۱۴ میلیارد دلار سرمایه های سرمایه گذاران آمریکایی را به مکزیک بکشد. در همین حال بزرگترین شرکت سرمایه گذاری سرمایه های کوچک جهان یعنی شرکت سرمایه گذاری جروپ که پس اندازهای میلیون ها آمریکائی را اداره می کند به بزرگترین طلبکار مکزیک تبدیل گردید. در چنین شرایطی هنگامی که در پایتخت مکزیک معلوم گردید که دولت قادر به پرداخت بدهی های خویش نیست، بازار دارائی ایالات متحده واکنش ناگواری از خود نشان داد.

به ناگهان خشم از کوشش های دولت برای ایجاد تعادل در بازار و نارضائی از کسری بودجه ی تورم زا از بین رفت. سخنگویان تمامی بازارها در تماس هائی با وکلای مجلس آمریکا و رئیس صندوق بین المللی پول هشدار دادند که نتایج این بحران کل سیستم دارائی جهان را از هم پاشیده و یک اثر دومینو گونه ی جهانی را باعث خواهد گردید. این هشدارها باعث آن میلیاردها کمکی گردید که کامدسو رئیس صندوق بین المللی پول و روبین وزیر دارائی آمریکا در عملیات مخفی شبانه شان از منابع مالیاتی دولت ها تهیه نمودند.

اما بحران پزو تنها ضعف دولت ها را در مقابل سفته بازي هاي كنترل نشده به نمايش ننهاده، بلكه ناتواني بازيگران بازار را در مقابل ضعف هاي خودشان نيز نمايان نمود. تفكرات آنارشيستي و ضد دولتي هاديان جريان سرمايه هميشه در آن زماني هائي كه مي بايد بر زيان هاي ناشي از تصادماتي كه خود باعث آن ها گرديده اند، غلبه نمايند، به عكس خويش تبديل مي گردند. از ديد اينان البته بازارها هميشه مي بايد بر همه چيز حكم برانند، ليكن به مثابه ديكتاتورهاي با مسئوليت محدود. مسئوليت بحران ها به عهده ي جامعه ي بين المللي و دولت هائيش باقي مي ماند. اما چند مورد نظير مورد مكزيك را اين جامعه ي بين المللي مي تواند تحمل نمايد؟ مدت هاست كه سناريوي يك سقوط ناگهاني ديگر بازار در حال تكوين است. از اوایل سال ۱۹۹۵ بانک مركزي ژاپن براي آن كه اين كشور بتواند بازار دارائي بيمارش را درمان نمايد وام هاي تقريبا بي بهره اي در اختيار اين بازار مي نهد و به سرمايه گذاران اش يك ثروت باد آورده ي افسانه اي را هديه مي كند. بانك ها و شركت هاي سرمايه گذاري از سراسر جهان ميلياردها ين ارزان وام مي گيرند و آن را با دلار معاوضه مي كنند و بدین طريق تا ۶ درصد سود مي برند. سيصد ميليارد دلار از سرچشمه هاي مالي ژاپني فقط صرف خريد اوراق بهادار آمريكائي شده است. در پس سود سرشار اين سرمايه گذاري ها ترس از عاقبت اين معاملات نهفته است. زيرا اين فكر همه را به خود مشغول نموده است كه چگونه مي توان اين كوه عظيم پول را دو باره كم نمود و يا اينكه اگر اقتصاد ژاپن دوباره رونق بگيرد و بانك مركزي اين كشور دوباره نرخ سود را بالا ببرد، چه اتفاقي خواهد افتاد؟ سود آوري ين تا اكنون يعني تا ماه آگوست ۱۹۹۶ هنوز ادامه دارد و نرخ سود در اين كشور ناچيز باقي مانده است، ليكن تحليلگران اقتصادي و بانك هاي مركزي در مقياسي جهاني در اين فكرند كه آيا احتمالا يك زمين لرزه ي جديد در بازارهاي دارائي در پيش نخواهد بود كه مركزش اين بار برخلاف سال ۱۹۹۴ نه در نيويورك، بلكه در توكيو باشد؟ (۷۹)

آشوب بازارها به بورس برزيل نيز سرايت مي كند. روديگر دورن بوش اقتصاددان آمريكايي در ماه ژوئن ۱۹۹۶ اخطار كرد كه بازار برزيل در معرض همان خطري قرار دارد كه بازار مكزيك قرار داشت. دولت برزيل نيز نرخ برابري پول اش را نسبت به دلار به صورتي غيرواقعيانه بالا نگهداشته است و با سودهاي بالا بيش از حد سرمايه هاي سفته بازان خارجي را به سوي خويش جلب مي نمايد. دورن بوش در اين باره به تمسخر مي گويد: "برزيل در جهت عكس خيابان با اين اميد در حركت است كه اتومبيلي از روبرو نيايد." (۸۰)

بدین طريق سال به سال اين احتمال كه دستگاه هار شده ي بازار دارائي امواج بحراني جهاني را باعث گردد كه تنها با اعتقاد به نيروي تنظيم كننده ي بازار قابل كنترل نباشد، بيشتر مي گردد. اما ممكن است به زودي طلب ياري خواستن از دولت ها نيز ديگر بي نتيجه باشد. زيرا كه بازار دارائي بزرگ بين المللي لاینقطع در حال خالي نمودن زير پاي آن نهادهايي است كه در مواقع بحراني بيش از حد به آن ها نياز خواهد داشت. يعني دولت هاي قادر به عمل و نهادهاي بين المللي آن ها.

معذالك بخش دارائي در اين راه تنها نيست. گروه دومي از كساني كه در سايه ي جهان فراگيري خود را در زمره ي هدايت كنندگان جديد جهان قلمداد مي كنند نيز در حال اره كردن همان شاخه مي باشند. يعني رهبران كنسرن هاي چند مليتي تمامي رشته هاي

صنعتي. از سال ۱۹۸۹ آن ها پاي به راه پيروزمندانہ اي نهاده اند که جهان را سريعتتر و ريشه اي تر از هر امپراتوري و يا جنبش سياسي ديگري تغيير مي دهد. اما اين پيروزي نيز مزه اي تلخ دارد و چيزي طول نخواهد انجاميد.

پايان بخش سوم —

ترجمه ادامه دارد

Socialistha@ois-iran.com
www.ois-iran.com